

مقایسه نگرش دانش‌آموزان ایرانی و آمریکایی نسبت به دوستی با دانش‌آموزان ناتوان

محسن شکوهی یکتا

استادیار دانشگاه آیوا - آمریکا

شهین کاووسی

کارشناس ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه تهران

علی اکبری زاده *

کارشناس ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه تهران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه نگرش دانش‌آموزان عادی دبیرستانی ایرانی و آمریکایی نسبت به امکان دوستی آن‌ها با دانش‌آموزانی با ناتوانی شدید و چگونگی تسهیل چنین دوستی‌هایی بوده است. به همین منظور نتایج حاصل از پژوهش‌های هندریکسون، شکوهی یکتا، نیتاپسکی، و گیبیل (۱۹۹۶) و کاووسی (۱۳۷۷) مورد مقایسه قرار گرفت. بدین ترتیب، از داده‌های مربوط به ۲۸۹ دانش‌آموز ایرانی و ۶۵۶ نفر دانش‌آموز آمریکایی استفاده شد. آزمودنی‌ها با دامنه سنی ۱۹ - ۱۳ سال شامل هر دو گروه دختر و پسر بودند. «پرسشنامه ادراک دوستی دانش‌آموزان» (SFPS) روی هر دو گروه از دانش‌آموزان اجرا شد. نتایج به دست آمده از مقایسه داده‌های دو گروه نشان می‌دهد علاوه بر نقاط مشترک، در

* کلیه مکاتبات برای نویسنده سوم به آدرس خیابان گل‌ها، خیابان مظفری خواه، مرکز

بسیاری از موارد بین نگرش دانش‌آموزان ایرانی و آمریکایی تفاوت وجود دارد. از جمله این‌که هر دو گروه آزمودنی‌ها دوستی با دانش‌آموزانی با ناتوانی شدید را ممکن دانسته و حاضرند در جهت ایجاد چنین دوستی‌هایی تلاش کنند. در ایجاد و تسهیل این‌گونه دوستی‌ها، دانش‌آموزان آمریکایی بر نقش بزرگسالان، و دانش‌آموزان ایرانی، به ویژه بر نقش متخصصان، تأکید داشته‌اند. در ضمن در پایان مقاله دلایل احتمالی یافته‌های به دست آمده مورد بحث و بررسی قرار گرفته و کاربردهای عملی و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده ارائه شده است.

واژگان کلیدی: نگرش، دوستی.

دوستی‌ها و ارتباطات اجتماعی بهترین زمینه برای جامعه‌پذیری، پرورش حس همکاری و راهی مناسب برای کسب مهارت‌های اجتماعی است. دامون^۱ (۱۹۸۳) در تعریفی از دوستی می‌گوید دوستی ارتباطی اجتماعی براساس علاقه است و اهدافی شبیه حمایت دوطرفه و فراهم آوردن مصاحبت و همراهی را دنبال می‌کند. مک گواثیر و وایز^۲ (۱۹۸۲)، به نقل از کلارک و آیزر^۳ دوستی را علاقه و جاذبه رفتاری دوطرفه و مداوم بین افراد توصیف می‌کنند.

احساس پذیرش، تعلق و ارزش شخصی از زمره ویژگی‌هایی هستند که از طریق دوستی در زندگی ایجاد می‌شوند. دوستی، انسجام و احساس امنیت به ارمغان می‌آورد. لذا، می‌توان گفت دوستی پیوندی انسانی و حیاتی برای انسان‌هاست (پاتون، و اسپیرز^۴، ۱۹۸۶؛ به نقل از هالاهان^۵، ۱۳۷۲). دشواری در برقراری روابط با دوستان زمینه ساز مشکلات بنیادین اجتماعی و عاطفی است. احساس تنهایی مداوم در دوران بلوغ باعث مشکلات عدیده رفتاری-روانی مانند افسردگی، بی‌اشتهایی عصبی، و نقص

1. Damon

2. Mc Guir & Weisz

3. Clark & Ayers

4. Patton & Spears

5. Hallahan

مهارت‌های اجتماعی می‌شود (ایندربیتزن، پیسارخ، کلارک، و سولانو^۱، ۱۹۹۲). علاوه بر آن، تمایل بسیار به دوستی در دوران بلوغ فقط با برقراری روابط نزدیک با همسالان ارضا می‌شود (برنان^۲، ۱۹۸۲). در کودکی، گروه همسالان مهارت‌های اجتماعی مهمی را به کودکان می‌آموزند که بزرگسالان به هیچ وجه نمی‌توانند آن مهارت‌ها را به آن‌ها آموزش دهند. در دوره نوجوانی همسالان کارکردی روان‌درمانی دارند؛ یعنی آن‌ها به دوستان خود کمک می‌کنند تا با مشکلات شخصی و اضطرابشان کنار آیند. پذیرفته شدن از سوی همسالان موجب افزایش و عزت نفس نوجوانان می‌شود و آن‌ها را خلاق، پرشور و دارای انگیزه بار می‌آورد. برعکس، طرد شدن از سوی همسال، موجب سردرگمی، اعتماد به نفس پایین، کمرویی، عصبی بودن و گوشه‌گیری می‌شود (ماین^۳، ۱۹۸۴؛ به نقل از فقیرپور، ۱۳۷۴).

دستاوردهای دوستی، به ویژه در دوران کودکی و نوجوانی، بسیار ارزنده است. کودکان و نوجوانان اعم از سالم و ناتوان نیازمند دوست هستند. ولی کودکان ناتوان در دوست‌یابی موفق نیستند. در واقع، یکی از ملموس‌ترین مشکلات آن‌ها، ناکامی و شکست در ایجاد پیوندهای نزدیک و ارضاکننده عاطفی با دیگران است. یکی از دلایل این ناکامی‌ها در افراد ناتوان، نگرش منفی افراد عادی نسبت به آن‌هاست. این موضوع مانع از گسترش روابط افراد سالم با افراد ناتوان می‌شود. گاتلیب^۴ (۱۹۸۱)، به نقل از کول و چان^۵ (۱۹۹۰) اظهار می‌دارد نگرش دانش‌آموزان عادی نسبت به دانش‌آموزان ناتوان منفی است.

یکی از روش‌های تغییر نگرش دانش‌آموزان عادی نسبت به دانش‌آموزان ناتوان، به کارگیری برنامه‌های یکپارچه‌سازی است. برنامه‌های یکپارچه‌سازی موجب می‌شود کودکان، نوجوانان و بزرگسالان عادی در موقعیت‌های طبیعی با همسالان استثنایی خود ملاقات کنند و با یکدیگر کنش و واکنش داشته باشند. در چنین شرایطی است که نگرش افراد عادی به‌طور واقع‌بینانه شکل می‌گیرد و در جهت مثبت سوق داده می‌شود (به

1. Inderbitzen , Pisaruk , Clark & Solano

2. Bernnan

3. Maine

4. Gottlibe

5. Cole & Chan

پژوه، ۱۳۷۲). پژوهش‌های انجام گرفته روی کودکان سنین دبستانی نشان می‌دهد ارتباطات اجتماعی مثبت در رشد هوشی، ارتباط بین فردی و عاطفی موثرند (آشر^۱، ۱۹۸۳؛ بتس^۲، ۱۹۷۵؛ هارتاپ^۳، ۱۹۷۸؛ پارکر و آشر^۴، ۱۹۸۷؛ روبین^۵، ۱۹۸۰). توسعه شبکه‌های و ارتباط‌های اجتماعی مثبت به عنوان هدفی برای رفع مشکلات دانش‌آموزان با ناتوانی‌های متوسط و شدید حائز اهمیت است. زیرا این گروه از کودکان اغلب از تماس با کودکان عادی در کلاس‌های آموزش عادی محروم هستند (براون^۶ و همکاران، ۱۹۸۹؛ هارینگ، و برین^۷، ۱۹۸۹؛ مایر و پوتمن^۸، ۱۹۸۸؛ اشتاین بک و اشتاین بک، و فورست^۹، ۱۹۸۹).

کرک و همکاران^{۱۰} (۱۹۸۴) معتقدند والدین کودکان سنین پیش دبستانی - چه ناتوان و چه عادی - به اهمیت ارتباط و دوستی همسالان و ارزش بالای آن در رشد اجتماعی فرزندان خود پی برده‌اند. میکائیل و همکاران^{۱۱} (۱۹۹۵) در یک بررسی نظرات والدین را نسبت به دوستی با همسالان در برنامه‌های تلفیقی و استثنایی مورد مطالعه قرار دادند. به همین منظور با تعداد زیادی از مادران کودکان ناتوان پیش دبستانی و مادران «کودکان در معرض خطر^{۱۲}» مصاحبه‌هایی درباره ارتباطات و دوستی کودکان با همسالان انجام گرفت. نتایج نشان داد مادران کودکان ناتوان دریافته‌اند که وجودشان در ارتباط دوستی کودکانشان با همسالان نقش مهمی دارد. هم‌چنین مادران کودکان ناتوانی که در برنامه‌های تلفیقی حضور داشتند، اظهار کردند فرزندانشان بهتر بازی می‌کنند و اجتماعی‌تر شده‌اند و علت آن را حضور کودکان عادی در این برنامه‌ها می‌دانستند. نیتاپسکی و همکاران^{۱۳} (۱۹۹۳) نگرش ۱۵۸ نفر از معلمان دانش‌آموزان عقب مانده

1. Asher

2. Bates

3. Hartup

4. Parker & Asher

5. Rubin

6. Brown

7. Haring & Breen

8. Mayer & Putman

9. Stainback , Stainback & Forest

10. Quirk & et al

11. Michael & et al

12. at risk children

13. Hamre - Nitupski & et al

ذهنی متوسط، شدید و عمیق را نسبت به دوستی با همسالان عادی مورد ارزیابی قرار دادند. یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی است معلمان دانش‌آموزان ناتوان شدیدترین باورند که دوستی بین دانش‌آموزان ناتوان و همسالان عادی ممکن و برای هر دو گروه سودمند است. بایسی و ییلی^۱ (۱۹۹۳) و گرالینک و گرووم^۲ (۱۹۸۸) اظهار می‌دارند ارتباط اجتماعی کودکان ناتوان با همسالانشان در برنامه‌های تلفیقی در مقایسه با برنامه‌های غیرتلفیقی در سطح بالاتری قرار دارد.

به پژوه (۱۹۹۱) اظهار می‌دارد دانش‌آموزانی که با دانش‌آموزانی با ناتوانی شدید تماس اجتماعی داشته‌اند، از آن‌هایی که چنین تماسی نداشته‌اند، نگرش‌ها و واکنش‌های عاطفی مثبت‌تری ابراز کرده‌اند.

با توجه آنچه گفته شد، هدف از پژوهش حاضر مقایسه نگرش دانش‌آموزان ایرانی و آمریکایی نسبت به دوستی با همسالانی با ناتوانی شدید^۳ بوده است. در این پژوهش نگرش دانش‌آموزان ایرانی در دبیرستان‌های تلفیقی نسبت به دوستی با افراد ناتوان شدید (کاوسی، ۱۳۷۷) با نتایج حاصل از پژوهشی که هندریکسون^۴، شکوهی یکتا، نیتاپسکی، و گیبل^۵ (۱۹۹۶) در آمریکا انجام داده‌اند، مقایسه شده است. در این پژوهش دوستی چنین تعریف شده است: رابطه اجتماعی بین دو نفر که دو جانبه، پاداش دهنده و خوشایند است و تماس‌های داوطلبانه در جریان دوستی به تقسیم تجارب طرفین در طول ماه‌ها و سال‌ها می‌انجامد (باربر و هاپ^۶، ۱۹۹۳). در ضمن منظور از مدارس تلفیقی، مدارس عادی هستند که در آن‌ها دانش‌آموزان ناتوان به صورت پاره‌وقت و یا تمام وقت با دانش‌آموزان عادی آموزش دریافت می‌دارند.

پژوهشگران در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش بوده‌اند: آیا تفاوتی بین

1. Buysse & Builey

2. Guralnick & Groom

۳. منظور از ناتوان شدید در این پژوهش دانش‌آموزانی هستند که ناتوانی ذهنی متوسط و یا شدید دارند و یا ممکن است ناتوانی‌های جسمی، اختلالات بینایی و یا شنوایی و یا رفتارهایی داشته باشند که با دانش‌آموزان دیگر متفاوت و یا در تضاد باشد.

4. Henderickson

5. Gable

6. Barber & Hupp

- نگرش دانش‌آموزان عادی ایرانی و آمریکایی در هر یک از زمینه‌های زیر وجود دارد؟
- الف - امکان دوستی با دانش‌آموزانی با ناتوانی شدید
- ب - جایگزینی آموزشی دانش‌آموزانی با ناتوانی شدید
- ج - چگونگی نقش معلمان مدارس و والدین در تسهیل این دوستی‌ها
- د - تسهیل‌گر دوستی بین دانش‌آموزانی با ناتوانی شدید و عادی
- ه - فعالیت‌های لازم برای دوستی بین دوگروه دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزان با ناتوانی شدید
- و - عوامل تقویت و یا تضعیف‌کننده دوستی دانش‌آموزان عادی با دانش‌آموزان با ناتوانی شدید.

روش

نمونه

در این پژوهش نگرش ۲۸۹ نفر از دانش‌آموزان ایرانی در ۱۰ دبیرستان تلفیقی شهر مشهد (۵ مدرسه دخترانه و ۵ مدرسه پسرانه) با نگرش ۶۵۶ نفر از دانش‌آموزان آمریکایی در ۲۵ دبیرستان تلفیقی سه ایالت آیوا، ایلینوی، و فلوریدا مورد مقایسه قرار گرفت. کلیه آزمودنی‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. آزمودنی‌های ایرانی شامل ۴۸/۸ درصد پسر و ۵۱/۲ درصد دختر با میانگین سنی ۱۵/۵ سال (فاصله سنی ۱۹-۱۳ سال) و آزمودنی‌های آمریکایی شامل ۴۸/۵ درصد پسر و ۵۱/۵ درصد دختر با میانگین سنی ۱۵ سال (فاصله سنی ۲۱-۱۳ سال) بودند. داده‌های مربوط به آزمودنی‌های ایرانی بر اساس پژوهش کاووسی (۱۳۷۷) و داده‌های مربوط به دانش‌آموزان آمریکایی بر اساس پژوهش هندریکسون، شکوهی یکتا، نیتاپسکی، و گیبل (۱۹۹۶) گردآوری شده است.

ابزار

کلیه آزمودنی‌های ایرانی و آمریکایی به «پرسشنامه ادراک دوستی دانش‌آموزان»

(SFPS)^۱ پاسخ دادند که نیت‌پسکی و همکاران (۱۹۹۳) آن را تهیه کردند و هندریکسون، شکوهی یکتا، یتایسکی، و گیبل (۱۹۹۶) آن را مورد تجدیدنظر قرار دادند. در پژوهش نیت‌پسکی و همکاران این پرسشنامه به وسیله ۲۱ نفر از والدین، معلمان دانش‌آموزانی با ناتوانی شدید، مدیران، و اساتید دانشگاه‌های تربیت معلم مورد ارزیابی قرار گرفت و از نظرات آن‌ها در بازنگری پرسشنامه استفاده شد. در این ارزیابی‌ها بر وضوح، خوانا بودن، و محتوای هر یک از دستورالعمل‌ها و گویه‌ها تکیه شد. در بازنگری مجدد به وسیله هندریکسون و همکاران پرسشنامه مذکور توسط یک گروه ۳۰ نفری از معلمان دانش‌آموزان عادی و استثنایی مورد بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب که پس از تنظیم پرسشنامه، گروه اخیر گزاره‌ها را متناسب با دانش‌آموزان دبیرستانی مورد تجدیدنظر قرار دادند. سپس این پرسشنامه روی ۵۰۰ نفر از دانش‌آموزان اجرا شد و با تحلیل پاسخ‌های دانش‌آموزان پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

این پرسشنامه شامل یک راهنما می‌باشد که هدف از اجرا و همچنین نحوه اجرای پرسشنامه در آن توضیح داده شده است. در بالای صفحه اول تعاریف عملیاتی «دانش‌آموزان با ناتوانی شدید» و «دانش‌آموزان عادی» ارایه شد. پرسشنامه دارای سه بخش است: بخش اول دارای دو خرده‌آزمون می‌باشد. خرده‌آزمون اول دارای ۶ گزاره کوتاه است که هر کدام از گزاره‌ها به دوستی بین دانش‌آموزان عادی با همسالان با ناتوانی شدید اشاره دارد و فواید این دوستی‌ها برای هر یک از دو گروه دانش‌آموزان ناتوان و عادی، مورد پرسش قرار گرفته است. پاسخ‌های این پرسش‌ها بر اساس مقیاس لیکرت تدوین شده‌اند. در خرده‌آزمون دوم از دانش‌آموزان درباره ارزش و اهمیت نوع جایگزینی آموزشی که باعث تسهیل دوستی‌ها می‌شود، سوال شده است. آزمودنی‌ها بر حسب اولویت هر گزاره را رتبه‌بندی کنند. بخش دوم پرسشنامه شامل سه خرده‌آزمون است: خرده‌آزمون اول شامل ۸ گزاره است که نگرش دانش‌آموزان را در مورد این‌که چه مرجع یا مراجعی باید به ایجاد این دوستی‌ها کمک کنند، می‌سنجد. خرده‌آزمون دوم و سوم هر یک شامل ۸ گزاره می‌باشند که به ترتیب راهبردهای معلمان و والدین را در زمینه تسهیل دوستی بین دو گروه مورد مطالعه قرار می‌دهد. هر کدام از این سه خرده

آزمون براساس مقیاس رتبه‌ای از انتخاب اول تا سوم رتبه‌گذاری می‌شود. بخش سوم پرسشنامه شامل سه خرده آزمون است که براساس مقیاس مقوله‌ای تنظیم شده‌اند. خرده آزمون اول شامل ۱۲ گزاره و خرده آزمون دوم مشتمل بر ۱۰ گزاره است. این خرده آزمون‌ها و راهبردهای دانش‌آموزان را در تسهیل دوستی بین خود و گروه دیگر اندازه می‌گیرد. خرده آزمون سوم این بخش شامل ۱۰ گزاره پیشنهادی است که موانع و مشکلات مورد سنجش قرار می‌دهد. در ضمن پایایی ابزار فوق به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش شده است (کاروسی، ۱۳۷۷).

نحوه اجرا

در هر دو پژوهش ایرانی و آمریکایی پرسشنامه به صورت گروهی اجرا شده است. نخست پژوهشگران و یا معلمان کلاس‌ها قبل از توزیع پرسشنامه‌ها در بین دانش‌آموزان با طرح پرسش‌هایی درباره مفاهیمی مانند دوستی، ناتوانی شدید، و همسالان به مدت کوتاهی به بحث و تبادل نظر پرداخته‌اند. سپس دستورالعمل پرسشنامه و نکات اصلی آن برای دانش‌آموزان توضیح داده شد. از جمله این نکات توضیحاتی در باره موضوع و هدف پژوهش و محرمانه بودن اطلاعات فردی بوده است.

نتایج

یافته‌های به دست آمده در جدول ۱ نشان می‌دهد که بین نگرش دانش‌آموزان ایرانی و آمریکایی نسبت به امکان دوستی با دانش‌آموزان باناتوانی شدید تفاوت‌های معناداری وجود دارد. برای مثال گویه‌ها ۵ و ۶ نشان می‌دهند بزرگسالان می‌توانند و باید نقش بنیادی در ایجاد این‌گونه دوستی‌ها داشته باشند. دانش‌آموزان ایرانی با این دو گویه بیشتر از دانش‌آموزان آمریکایی موافق بوده‌اند. درحالی‌که آزمودنی‌های آمریکایی بیشتر از گروه دیگر این دوستی‌ها را برای دانش‌آموزان ناتوان مفید می‌دانند (گویه ۲).

جدول ۱. مقایسه نگرش دانش‌آموزان ایرانی و آمریکایی نسبت به امکان دوستی با دانش‌آموزان دارای ناتوانی شدید و ضرورت آن

ردیف	گویه‌ها	آمریکایی	ایرانی	df	T
میانگین انحراف معیار میانگین انحراف معیار					
۱	به وجود آمدن این دوستی‌ها امکان‌پذیر است.	۳/۲۷	۳/۲۳	۹۴۳	۱
۲	از این دوستی‌ها دانش‌آموزان دارای ناتوانی شدید سود می‌برند.	۳/۲۶	۳/۱۸	۹۴۳	*۲
۳	دانش‌آموزان غیرناتوان باید سعی کنند که با دانش‌آموزان ناتوان دوست شوند.	۳/۲۲	۳/۴۷	۹۴۳	*-۵
۴	از این دوستی‌ها دانش‌آموزان غیرناتوان سود می‌برند.	۳/۰۴	۲/۹۷	۹۴۳	۱/۱۸
۵	بزرگسالان باید در ایجاد این دوستی‌ها کمک کنند.	۲/۷۳	۳/۲۵	۹۴۳	-۸/۶۶
۶	برای بزرگسالان آسان است که به ایجاد دوستی میان دانش‌آموزان با ناتوانی شدید و دانش‌آموزان غیرناتوان کمک کنند.	۲/۲۸	۲/۷۵	۹۴۳	*-۸/۱

$P \leq 0/05$

قسمت بعدی پرسشنامه به اولویت‌بندی شیوه‌های جایگزینی دانش‌آموزانی باناتوانی شدید در مدارس و تأثیر آن بر دوستی با همسالان عادی اختصاص داده شده است که نتایج حاصل از تحلیل آماری آزمون t مستقل تفاوت معناداری را بین نگرش دانش‌آموزان عادی ایرانی و آمریکایی نسبت به نوع جایگزینی دانش‌آموزان ناتوان نشان می‌دهد (جدول ۲). دانش‌آموزان ایرانی نسبت به آزمودنی‌های آمریکایی با جایگزینی

دانش‌آموزان ناتوان در کلاس‌های عادی به‌طور تمام وقت بیشتر موافق بودند و نسبت به کلاس ویژه در مدرسه استثنایی کمتر تمایل نشان می‌دهند.

جدول ۲. مقایسه نگرش دانش‌آموزان ایرانی و آمریکایی درباره تأثیر نوع جایگزینی آموزشی دانش‌آموزان ناتوان بر دوستی با همسالان عادی

ردیف	نوع جایگزینی	آمریکایی	ایرانی	df	T
میانگین انحراف معیار میانگین انحراف معیار					
۱	کلاس عادی به‌طور تمام وقت	۲/۷۹	۳/۲۸	۹۴۳	*۶/۳۵
۲	کلاس عادی به‌طور پاره‌وقت	۲/۶۷	۲/۷۳	۹۴۳	-۱/۰۱
۳	کلاس ویژه در مدرسه عادی	۲/۵۶	۲/۴۸	۹۴۳	۱/۲۳
۴	کلاس ویژه در مدرسه استثنایی	۱/۹۵	۰/۵۰	۹۴۳	*۵/۶۲

$P \leq 0/05$

جدول ۳ شامل فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌های آزمودنی‌هاست مبنی بر این‌که چه کسی باید دوستی بین دانش‌آموزان باناتوانی و عادی را تسهیل سازد. نتایج حاصل از آزمون مجذور خی تفاوت معناداری ($P \leq 0/05$) را در مقوله‌های معلمان آموزش استثنایی؛ مشاوران راهنما، روان‌شناسان مدرسه و مددکاران اجتماعی؛ و تشکیلات و انجمن‌های جوانان» بین دوگروه آزمودنی‌ها نشان می‌دهد. دانش‌آموزان ایرانی بر نقش مشاوران راهنما، روان‌شناسان مدرسه، و مددکاران اجتماعی بیشتر از دانش‌آموزان آمریکایی تکیه کرده‌اند، در حالی که آزمودنی‌های آمریکایی نقش تشکیلات و انجمن‌های جوانان را بیشتر از آزمودنی‌های ایرانی حائز اهمیت دانسته‌اند.

جدول ۳. مقایسه نگرش دانش آموزان ایرانی و آمریکایی در مورد تسهیل‌گر دوستی بین دانش آموزان عادی و ناتوان

ردیف	اشخاص	آمریکایی	ایرانی	درصد	فراوانی	درصد	درجه	مجذور
		انتخاب	انتخاب	انتخاب	انتخاب	آزادی	خی	
۱	خود دانش آموزان	۵۰۲	۷۶/۵۲	۲۳۱	۸۰	۱	۱/۳۴	
۲	معلمان آموزش استثنایی	۳۰۲	۴۶/۰۳	۱۵۵	۵۳/۷	۱	۴/۶۴*	
۳	مشاوران راهنما، روان‌شناسان مدرسه، و مددکاران اجتماعی	۲۹۰	۴۴/۲۰	۱۸۱	۶۲/۲	۱	۲۷/۲۳*	
۴	تشکیلات و انجمن‌های جوانان	۲۵۵	۳۸/۸۷	۵۹	۲۰/۴	۱	۳۰/۸*	
۵	معلمان آموزش عادی	۲۳۲	۳۵/۳۶	۹۸	۳۴	۱	۰/۱۹	
۶	والدین دانش آموزان ناتوان شدید	۲۰۲	۳۰/۷۹	۸۳	۲۸/۷	۱	۰/۴۱	
۷	والدین دانش آموزان بدون ناتوانی	۱۲۹	۱۹/۶۶	۵۶	۱۹/۴	۱	۰/۰۱	

$P \leq 0/05$

پاسخ‌های آزمودنی‌ها در مورد این‌که چگونه معلمان و مدارس می‌توانند در تسهیل دوستی‌های دانش آموزان عادی با همسالان ناتوان مؤثر باشند در جدول ۴ ارایه شده است. بنابراین نتایج آزمون مجذور خی دانش آموزان ایرانی در مقایسه با گروه دیگر به تدریس خصوصی توسط همسالان، به‌عنوان عامل مؤثر در تسهیل این‌گونه دوستی‌ها، کمتر بها می‌دهند (گروه‌های ۷ و ۱). این درحالی است که آزمودنی‌های ایرانی تشویق والدین به ایجاد فرصت‌ها برای دوستی‌ها (گروه ۸) و ارایه اطلاعات به والدین، معلمان، و دانش آموزان را بیش از آزمودنی‌های آمریکایی حائز اهمیت می‌دانند.

جدول ۴. مقایسه نگرش دانش‌آموزان ایرانی و آمریکایی درباره نقش معلمان و مدارس در تسهیل دوستی‌های دانش‌آموزان عادی با ناتوانان

ردیف	نوع کمک	آمریکایی		ایرانی	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
		انتخاب	انتخاب	آزادی	مجدور
		انتخاب	انتخاب	آزادی	خی
۱	در تدریس از روش‌هایی استفاده کنند که دانش‌آموزان با هم کار کنند.	۴۳۲	۶۵/۸۵	۱۷۰	۵۸/۸
۲	فعالیت‌های اجتماعی برای تمام دانش‌آموزان ترتیب دهند که همه در آن شرکت کنند.	۳۷۱	۵۶/۵۵	۱۷۶	۶۰
۳	به همه دانش‌آموزان پیام‌رسانده‌چگونه با یکدیگر ارتباط متقابل داشته باشند.	۲۳۳	۳۵/۵۱	۹۸	۳۳/۹
۴	اهمیت چنین دوستی‌هایی را آموزش دهند	۲۳۳	۳۵/۵۱	۹۱	۳۱/۴
۵	جهت تشویق به ارتباط متقابل و حمایت در اطراف دانش‌آموز دارای ناتوانی شدید «حلقه‌ای از دوستان» ایجاد کنند.	۱۹۷	۳۰/۰۳	۷۹	۲۷/۳
۶	اطلاعاتی در مورد ناتوانی‌ها به دانش‌آموزان، سایر معلمان، والدین بدهند	۱۸۴	۲۸/۰۴	۱۱۸	۴۰/۸
۷	دانش‌آموزان بدون ناتوانی را آموزش دهند که به دانش‌آموزان ناتوان تدریس خصوصی دهند.	۱۶۱	۲۴/۵۴	۵۱	۱۷/۶
۸	والدین را تشویق کنند تا فرصت‌هایی را برای دوستی‌ها فراهم سازند.	۱۱۳	۱۷/۲۲	۸۹	۳۰/۸

جدول ۵ نشان دهنده پاسخ آزمودنی هاست در مورد این که چگونه والدین می توانند دوستی های بین دو گروه را تسهیل سازند. به طور کلی به نظر می رسد، دانش آموزان آمریکایی به اقدامات تشکیلاتی از جمله رهبری تشکیلات جوانان (گروه ۶) و تشکیل گروه های حمایتی والدین (گروه ۴) بیشتر از دانش آموزان ایرانی اهمیت می دهند ($P < 0/05$). در صورتی که آزمودنی های ایرانی همکاری مدرسه و معلمان را در مورد یافتن راه هایی برای کمک به ایجاد دوستی ها مؤثرتر می دانند ($P = 0/00$).

جدول ۵. مقایسه نگرش دانش آموزان ایرانی و آمریکایی درباره نقش والدین در تسهیل دوستی های دانش آموزان عادی و ناتوان

ردیف	عمل والدین	آمریکایی		ایرانی		مجدور درجه آزادی خی	P
		فراوانی درصد انتخاب	فراوانی درصد انتخاب	فراوانی درصد انتخاب	فراوانی درصد انتخاب		
۱	درخانه نگرش مثبت در زمینه چنین دوستی هایی داشته باشند.	۳۶۷	۵۵/۹۴	۱۶۱	۵۵/۸	۱	۰/۰۰۴
۲	دانش آموزان را از جمله دانش آموزان ناتوان به خانه شان دعوت کنند.	۳۳۱	۵۰/۴۵	۱۲۷	۴۳/۹	۱	۳/۴۱
۳	با مدرسه و معلمین در مورد یافتن راه هایی برای کمک به ایجاد دوستی ها همکاری کنند.	۳۳۰	۵۰/۳۰	۲۱۰	۷۲/۶	۱	۴۰/۹۵*
۴	گروه های حمایتی والدین را تشکیل و یادر آن ها شرکت کنند.	۲۶۸	۴۰/۸۵	۷۶	۲۶/۳	۱	۱۸/۳۶
۵	وسیله ایاب و ذهاب برای دانش آموزان دارای ناتوانی برای انجام فعالیت های بعد از مدرسه فراهم کنند.	۲۲۷	۳۴/۶۰	۸۶	۲۹/۸	۱	۲/۱۳
۶	به عنوان رهبر تشکیلات جوانان انجام وظیفه کنند.	۱۹۰	۲۸/۹۴	۶۳	۲۱/۸	۱	۵/۲۵*
۷	معلمین را از تمایل والدین نسبت به ایجاد این دوستی ها در مدرسه آگاه کنند.	۱۷۰	۲۵/۹۱	۷۲	۲۴/۹	۱	۰/۱۰۵
۸	بایزرگسالان دارای ناتوانی شدید دوست	۱۴۰	۲۱/۳۴	۵۷	۱۹/۷	۱	۰/۳۲

داده‌های مربوط به پاسخ آزمودنی‌ها دربارهٔ مواردی که مایلند برای ایجاد دوستی با دانش‌آموزان باناتوانی انجام دهند، در جدول ۶ آمده‌است. در کلیهٔ موارد دانش‌آموزان آمریکایی تمایل بیشتری برای اقدام جهت ایجاد این‌گونه دوستی‌ها ابراز کرده‌اند. یافته‌های حاصل از آزمون مجذور خی دو تفاوت معناداری ($P \leq 0/05$) در گویه‌های (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ نشان می‌دهد. دانش‌آموزان هر دو گروه بیشترین تمایل را برای تدریس خصوصی و کار گروهی با دانش‌آموز ناتوان و کسب اطلاعات دربارهٔ ناتوانی‌ها (گویه‌های ۱ و ۲ و ۳) داشته‌اند. با این حال دانش‌آموزان آمریکایی تمایل بیشتری در این سه زمینه ابراز کرده‌اند.

جدول ۶. مقایسه‌نگرش دانش‌آموزان آمریکایی و ایرانی دربارهٔ این‌که آن‌ها مایلند برای ایجاد دوستی با دانش‌آموزان ناتوان چه انجام دهند

ردیف	موارد	آمریکایی	فراوانی درصد انتخاب ایرانی	فراوانی درصد انتخاب ایرانی	درجه آزادی	مجذور خی
۱	به یک دانش‌آموز ناتوان تدریس خصوصی کنم و یا رفیق او باشم.	۴۵۸	۷۰/۷۸	۱۴۶	۵۰/۵	۳۵/۸۶*
۲	به صورت گروهی با یک دانش‌آموز ناتوان کار کنم.	۴۴۷	۶۹/۰۸	۱۴۹	۵۱/۶	۲۶/۵۴*
۳	دربارهٔ ناتوانی‌ها اطلاعات بیشتری کسب کنم و دانسته‌های خودم را با دیگران در میان بگذارم	۴۲۸	۶۶/۵	۱۱۷	۴۰/۵	۵۴/۱۱*
۴	عضو گروهی از دانش‌آموزانی که به طور مدتی از وقت خود را با دانش‌آموزان باناتوانی شدید می‌گذرانند، باشم.	۴۱۱	۶۳/۵۲	۱۴۳	۴۹/۵	۱۶/۳۱*
۵	به خانه دانش‌آموزی که ناتوانی شدید است بروم.	۳۵۰	۵۴/۰۹	۱۲۲	۴۲/۲	۱۱/۲۸*
۶	اوقاتی را بعد از مدرسه با یک دانش‌آموز ناتوان صرف کنم.	۳۴۴	۵۳/۱۶	۱۳۸	۴۷/۸	۲/۳۵
۷	اوقاتی از تعطیلات آخر هفته را با یک دانش‌آموز ناتوان بگذرانم.	۳۱۶	۴۸/۸۴	۱۲۴	۴۲/۹	۲/۸۲
۸	یک دانش‌آموز ناتوان را به خانه خودمان دعوت کنم.	۳۱۵	۴۸/۶۸	۱۱۹	۴۱/۲	۴/۵۳*
۹	شب را در خانهٔ دانش‌آموزی که ناتوانی شدید دارد، بگذرانم.	۱۹۸	۳۰/۶	۳۶	۱۲/۵	۳۵/۰۸*
۱۰	به طور منظم به خانهٔ یک دانش‌آموز با ناتوانی شدید بروم.	۱۹۵	۳۰/۱۳	۴۴	۱۵/۲	۲۳/۳۷*
۱۱	از یک دانش‌آموز با ناتوانی بخوام که شبانه در خانه ما بگذراند.	۱۹۴	۲۹/۹۸	۵۵	۱۹	۴/۰۳*
۱۲	به طور منظم یک دانش‌آموز ناتوان را به خانه خودمان دعوت کنم.	۱۵۷	۲۴/۲۶	۵۳	۱۸/۳	۱۲/۲۷*

* $P \leq 0/05$

میزان فراوانی پاسخ آزمودنی‌ها در مورد انتخاب دلایلی که می‌تواند سبب دوستی آن‌ها با دانش‌آموزان ناتوان شود، در جدول ۷ منعکس شده است. یافته‌های حاصل از آزمون مجذور خی در گویه‌های ۱، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰ تفاوت معناداری ($P \leq 0/05$) نشان می‌دهد، که حاکی از تفاوت اساسی دانش‌آموزان ایرانی و آمریکایی در مورد دلایل دوستی آن‌ها با دانش‌آموزان ناتوان می‌باشد. هر دو گروه آزمودنی‌ها مهم‌ترین دلیل دوستی با همسالان ناتوان را نیاز آن‌ها به دوست (گویه ۱) ذکر کرده‌اند، اگر چه تمایل دانش‌آموزان آمریکایی به انتخاب این دلیل بیشتر از دانش‌آموزان ایرانی بوده است. یکی از تفاوت‌های عمده دو گروه در گویه ۴ (این کار می‌تواند سرگرمی من باشد) بوده است. روی هم رفته ۶۶/۹۷ درصد از دانش‌آموزان آمریکایی در مقابل ۸/۳ درصد از دانش‌آموزان ایرانی این گویه را انتخاب کرده‌اند. به نظر می‌رسد، آزمودنی‌های ایرانی منافع خود را در ایجاد این دوستی‌ها کمتر مؤثر می‌دانند، چنانچه پاسخ آن‌ها در گویه ۱۰ (من دوست دیگری خواهم داشت) و هم‌چنین گویه ۵ (من درباره خودم احساس خوبی خواهم داشت) نیز مؤید این موضوع است. در ضمن گویه ۹ (چون من نگرش و طرز تلقی خوبی دارم) و گویه ۷ (چون من اهل تفاهم بوده و رفتار دوستانه‌ای دارم) که به نوعی تعریف از خود می‌باشد، کمتر توسط آزمودنی‌های ایرانی انتخاب شده‌اند.

جدول ۷. مقایسه نگرش دانش‌آموزان ایرانی و آمریکایی در مورد انتخاب دلایلی که می‌تواند سبب دوستی آن‌ها با دانش‌آموزان ناتوان شود.

ردیف	دلایل	فراوانی انتخاب	درصد انتخاب	فراوانی انتخاب	درصد انتخاب	درجه آزادی	مجذور خی
۱	آن‌ها هم به دوست نیاز دارند	۵۳۴	۸۲/۴۰	۲۱۴	۷۴	۱	۸/۷*
۲	من دوست دارم به دیگران کمک کنم	۴۷۸	۷۳/۷۶	۲۱۴	۷۴	۱	۰/۰۰۸
۳	آنها با یک دوست احساس بهترین خواهند داشت	۴۶۵	۷۱/۷۵	۱۹۰	۶۵/۷	۱	۳/۴۴
۴	این کار می‌تواند سرگرمی من باشد	۴۳۴	۶۶/۹۷	۲۴	۸/۳	۱	۲۷۵/۳*
۵	من درباره خودم احساس خوبی خواهم داشت	۴۲۷	۶۵/۸۹	۱۴۴	۴۹/۸	۱	۲۱/۶۸*
۶	مامکن است علائق مشترکی داشته باشم	۴۰۱	۶۱/۸۸	۱۳۶	۴۷/۸	۱	۱۷/۹۵*
۷	چون من اهل تفاهم بوده و رفتار دوستانه‌ای دارم.	۳۶۶	۵۶/۴۸	۸۹	۳۰/۸	۱	۵۲/۸*
۸	من می‌توانم از این طریق درباره ناتوانی‌ها چیزهایی یاد بگیرم	۳۶۱	۵۵/۷	۱۶۷	۵۷/۸	۱	۰/۳۵
۹	چون من نگرش و طرز تلقی خوبی دارم.	۳۳۵	۵۱/۶۹	۵۶	۱۹/۴	۱	۸۵/۸۶*
۱۰	من دوست دیگری خواهم داشت.	۳۰۲	۴۶/۶	۷۸	۲۷	۱	۳۱/۹*

جدول ۸ نشان دهنده میزان فراوانی پاسخ آزمودنی‌ها در مورد انتخاب دلایلی است که دوستی با یک دانش‌آموز باناتوانی را مشکل می‌کند. نتایج حاصل از آزمون مجذور خی حاکی از تفاوتی معنادار ($P \leq 0/05$) در اکثر گویه‌ها بین دانش‌آموزان ایرانی و آمریکایی است؛ به طوری که آزمودنی‌های ایرانی در اکثر گویه‌ها درصد انتخاب پایین‌تری نسبت به آزمودنی‌های آمریکایی داشته‌اند. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان آمریکایی روی هم‌رفته این مشکلات را بیشتر از دانش‌آموزان ایرانی در دوستی با دانش‌آموزان ناتوان موثر می‌دانند.

جدول ۸. مقایسه نگرش دانش‌آموزان ایرانی و آمریکایی در مورد دلایلی که دوستی با دانش‌آموز ناتوان را مشکل می‌کند.

ردیف	دلایل	آمریکایی	ایرانی
		فراوانی درصد انتخاب	فراوانی درصد انتخاب آزادی
۱	من نمی‌دانم چه بگیریم یا چه بکنم	۶۷/۰۹	۱۲۲
۲	من عصبی یا ناراحت خواهم بود.	۵۴/۹۲	۳۲
۳	مردم ممکن است مرا مسخره کنند، من نمی‌خواهم مورد تمسخر مردم قرار بگیرم.	۵۱/۳۷	۵۰
۴	آنها کارهایی که من دوست دارم انجام بدهم را نمی‌توانند انجام دهند.	۴۹/۷۵	۹۷
۵	آن‌ها با دوستان من هماهنگ نخواهند بود	۴۴/۲۲	۴۹
۶	من احساس ناراحتی یا احساس پریشانی خواهم کرد.	۴۰/۶۸	۳۲
۷	من تعهدهای بسیاری داری دارم.	۲۹/۱۷	۳۷
۸	آنها ممکن است با من دعوا کنند یا به من صدمه بزنند.	۲۰/۹	۴۲
۹	آنها به زرنگی و باهوشی من نیستند.	۱۲/۱۵	۲۵
۱۰	خانواده من موافقت نخواهند کرد	۱۰/۸۵	۳۲

بحث و نتیجه گیری

پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که دانش‌آموزان مایل به دوستی با همسالان ناتوان خود هستند و ایجاد این دوستی‌ها را ممکن می‌دانند. این مدعا در پژوهش نیتاپسکی و همکاران (۱۹۹۳) در زمینه تسهیل دوستی‌ها بین دانش‌آموزان عادی و ناتوان تایید شده است. با این حال پژوهش‌های بین فرهنگی در این زمینه بسیار اندک هستند. پژوهشگران در این پژوهش سعی بر آن داشته‌اند تا با یک مقایسه بین فرهنگی، نگرش دانش‌آموزان عادی ایرانی و آمریکایی را نسبت به امکان دوستی با همسالان ناتوان، تاثیر نوع جایگزینی و مشکلات ایجاد این‌گونه دوستی‌ها، و این‌که چه کسانی و چگونه می‌توانند دوستی آن‌ها را با دانش‌آموزان باناتوانی شدید تسهیل کنند، مورد بحث و بررسی قرار دهند.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد علاوه بر نقاط مشترک بین نحوه نگرش دانش‌آموزان عادی ایرانی و آمریکایی نسبت به دوستی با دانش‌آموزان یا ناتوانی‌های شدید، تفاوت‌هایی نیز به چشم می‌خورد.

به‌طور کلی، هر دو گروه آزمودنی‌ها معتقدند که دوستی‌های بین دانش‌آموزان یا ناتوانی شدید و همسالان عادی خود میسر است و از این دوستی‌ها هم دانش‌آموزان ناتوان و هم عادی سود می‌برند. آزمودنی‌ها حاضرند در جهت ایجاد این دوستی‌ها فعالانه تلاش کنند.

دانش‌آموزان آمریکایی نقش بزرگسالان را در ایجاد این‌گونه دوستی‌ها اساسی می‌دانند. به نظر می‌رسد، این نگرش با نقشی که بزرگسالان در حرکت عادی سازی در یکی دو دهه اخیر در جامعه آمریکا به‌عهده گرفته‌اند، همسو است. در مورد جایگزینی دانش‌آموزان باناتوانی شدید، اگر چه هر دو گروه دانش‌آموزان ایرانی و آمریکایی "کلاس عادی به‌طور تمام وقت" را مؤثرترین نوع جایگزینی در جهت ایجاد این دوستی‌ها عنوان کرده‌اند، ولی دانش‌آموزان ایرانی بیشتر از همسالان آمریکایی خود بر تاثیر مثبت این نوع جایگزینی تأکید ورزند. شاید بتوان چنین نتیجه‌گیری کرد که تجربه دانش‌آموزان آمریکایی در زمینه هادی سازی دانش‌آموزان باناتوانی‌های شدید، آن‌ها را با مشکلات و واقعیت‌های موجود حضور این دانش‌آموزان در کلاس‌های عادی بیشتر آشنا کرده است. برشمردن مشکلات بیشتری در زمینه دوستی با دانش‌آموزان ناتوان

توسط آزمودنی‌های آمریکایی نیز مؤید این موضوع است. تأکید آزمودنی‌های ایرانی بر نقش عمده متخصصان از جمله مشاوران راهنما، روان‌شناسان آموزشگاهی، و مددکاران اجتماعی می‌تواند ناشی از این واقعیت باشد که مدارس موجود در کشور ما کمتر از خدمات این‌گونه متخصصان بهره‌مند هستند. از زمره موارد مشترک بین نگرش دو گروه آزمودنی‌ها می‌توان به تمایل به انجام کارهایی در جهت ایجاد دوستی با دانش‌آموزان باناتوانی شدید اشاره کرد، اگر چه دانش‌آموزان آمریکایی تمایل به انجام کارهای بیشتری در این زمینه از خود نشان داده‌اند. در ضمن از آنجایی که در فرهنگ ایرانی توجه به منافع خود در ایجاد رابطه با دیگران کمتر تأکید می‌شود و از خودگذشتگی و ایثار بیشتر از فرهنگ آمریکایی مورد تشویق قرار می‌گیرد، آزمودنی‌های ایرانی در ارایه دلایل ایجاد دوستی با همسالان ناتوان خود کمتر به نفع شخصی اشاره کرده‌اند.

انجام پژوهش‌هایی نظیر پژوهش حاضر می‌تواند در شناخت نگرش قشر دانش‌آموزی، در جریان حرکت عادی سازی فعلی در کشور ما، کمک‌های شایانی به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دانش‌آموزان ناتوان و عادی‌کنند. از جمله این‌که، بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان به آشناسازی دانش‌آموزان عادی ایرانی نسبت به مشکلاتی که ممکن است حضور دانش‌آموزان باناتوانی شدید در کلاس‌های عادی داشته باشد اشاره کرد و هم‌چنین آموزش اقدامات متنوعی که می‌توان در چنین شرایطی در جهت تسهیل روابط اجتماعی و دوستی با این‌گونه دانش‌آموزان به کار بست. در ضمن پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده، نگرش دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت و پایه تحصیلی مورد بررسی قرارگیرد تا شناخت بیشتری نسبت به نگرش اقشار مختلف دانش‌آموزی در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

به‌طور کلی، حرکت‌هایی نظیر عادی سازی در شمار الگوهای خدمات رسانی هستند که در کشورهای غربی پایه‌گذاری شده‌اند و اجرای آن‌ها در کشور ما بدون توجه به تفاوت‌های نگرشی اقشار مختلف دانش‌آموزان، معلمان، و والدین بازدهی مطلوبی نخواهد داشت. لذا پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده به بررسی مقایسه‌ای نگرش معلمان و والدین در این زمینه نیز همت گمارده شود.

مأخذ

- به پژوه، احمد (۱۳۷۲). یکپارچه سازی آموزشی چیست؟ مجله تعلیم و تربیت استثنایی شماره ۱، مهر و آبان، ص (۱۶ - ۱۷).
- فقیرپور، مقصود (۱۳۷۴). نقش حمایت اجتماعی در بهداشت روانی. مجله تربیت، سال دهم، ص (۷۹).
- کاوسی، شهین (۱۳۷۷). بررسی بازخورد دانش‌آموزان عادی نسبت به دوستی با دانش‌آموزان ناتوان. مجله روان‌شناسی ۵، سال دوم، شماره ۱، بهار، ص (۴۹).
- کله پیتو. چان، لورنا (۱۹۹۰). روش‌ها و راهبردها در تعلیم و تربیت کودکان استثنایی. ترجمه فرهاد ماهر. تهران: انتشارات قدس.
- هالاهان، دانیل، پی؛ و کافمن. جیمز، ام. (۱۳۷۲). کودکان استثنایی: مقدمه‌ای بر آموزش‌های ویژه، (چاپ دوم). ترجمه مجتبی جوادیان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

Reference

- Asher, S. (1983). Social Competence and peer status: Recent advance on Future direction. *Children development*, 54, 1427 - 1434.
- Bates, E. (1975). Peer relations and the acquisition of language. in M. Lewis and L.A. Rosenblum. (Eds). *The Origins of behaviors : Vol(4). Friendship and Peer relations . P. 259 - 299*, New York: Wiley.
- Barber, D., & Hupp, S.C. (1993). A Comparison of friendship patterns of individuals with developmental disabilities. *Education and Training in mental Retardation*, 28 (1), 13 - 22.
- Brennan, T.(1982). Loneliness in adolescence. In L.S. PePlau & D. Perlman (Eds.), *Loneliness: A Sourcebook of Current theory, research, and therapy* (pp. 269 - 272). New York: Wiley - Interscience.
- Brown, L., & et al. (1989). Should Students With Severe intellectual disabilities be based in regular on in special education classroom in hom school? *journal of the Association For Persons With Severe handicaps*, 14 (1), 8 - 12.
- Buyse, V., & Bailey, D.B. (1993). Behavioral and developmental out comes in

- Young children with disabilities integrated and segregated setting. A review of comparative studies. *The Journal of special education*, 26, 434 - 461.
- Clark, M.L., & Ayers, M. (1988). The role of reciprocity and Proximity in junior high school Friendship. *Journal of Youth and Adolescence*, 17 (5), 403 - 411.
- Damon, W. (1983). *Social and Personality Development*. New York, NY: W.W. Norton & Company.
- Guralnick , M.J., & Groom, J.M. (1988). Peer interaction in mainstreamed and specialized classroom: A Comparative analysis. *Exceptional children*, 54 (5), 415 - 425.
- Hamre - Nietupski, S., & others. (1993). Perception of teachers of students with moderate, Severe or Profound disabilities of Facilitating Friendships between their students and nondisabled Peers. *Education and Training in mental Retardation*, 28, 111 - 127.
- Haring, J., & Breen, C. (1989). units of analysis of social interation outcomes in supported education. *Journal of the Association For Persons With Sereve handicaps*, 14 (4), 255 - 267.
- Hartup, W.W. (1978). Peer interaction and the Processer of Socialization. In M.J. Guralnick (ED), *Early intervention and the integration of handicapped and nonhandicapped children* . P. 27 - 51. Baltimor: university Park Press.
- Hendrickson, J.M.; Shokoohi - Yekta, M.; Nietupski, S. & Gable, R.A. (1996). Middle and high school students Perceptions on being Friends with Peer with Peer Severe disabilities. *Exceptional children*, 63 (1), 19 - 28.
- Inderbitzen - Pisaruk, H.; clark, M.L., & solano, C.H. (1992). Correlates of loneliness in midadolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 21, 151 - 163.
- Meyer, L.H., & Putman, J. (1988). Social integration. In V.B. Van Hasselt and others. (Eds.). *Handbook of developmental and Physical disabilities*. P. 107 -

133. Oxford , England : Pergamon Press.
- Michael, J., & et al. (1995). Parent Perspective of Peer Relationships and Friendships in integrated and Specialized Programas. *American Journal on Mental Retardation*, 19, (5), 457 - 476.
- Parker , j.G., & Asher, S.R. (1987). Peer relations and later personal adjustment: Are Low - accepted children at - risk? *Psychological Bulletin*, 102 357 - 389.
- Quirk, M., & others (1994). Values held by mothers of handicapped and nonhandicapped Preschoolers. *merril - Palmer Quarterly*, 30, 403 - 418.
- Rubin, Z. (1980). *Children's Friendships*. Cambridge: Harvard university Press.
- Stainback, Stainback, W., & Forest, M. (1989). *Educating all Students in the mainstream of regular education*. Baltimore: poul H. Brookes.